



حجة الاسلام والمسلمین

موسوی تبریزی

دادستان کل انقلاب اسلامی

# قوانین کفر غیر در اسلام

## محراب

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

مقتضیات و شرایط زمان و وضع زندگی اهل کتاب و صلاحدید خودش مقدار جزیه و کیفیت پرداخت آن را معین نمایند.

صاحب جواهر می فرماید:

"الثانی فی کمیة الجزیه ، و المشهور بین الاصحاب شبرة عظیمه انه لا حد لها ، بل تقدیرها الی الامام - علیه السلام - بحسب الاصلح ، بل عن الغنیة الا جماع ، كما عن السرائر نسبتة الی اهل البیت (ع) بل لم تعرف القائل منا بتقدیرها فی جانب القلة و اکثره".

یعنی مسئله دوم در مقدار جزیه است.

البته در آن مقاله تنها مقداری از اقوال فقهای اسلام در باره مطلب اول و دوم را نقل و به روایات و آیات مربوطه استدلال کردیم.

چگونگی اخذ جزیه ، از اهل ذمه:

و اینک مطلب سوم: در میان فقهای اسلام ظاهراً خلافتی دیده نمی شود که برای جزیه از طریق شرع مقدس اسلام مقداری معین نشده است ، بلکه به عهده امام و والی مسلمین گذاشته شده است ، کسه بحسب

در مقاله گذشته ، در رابطه با اهل ذمه ( کفاری که اهل کتابند و یا شبیه کتاب در آنها هست ) بحث شد ، و چند مطلب گفته شد:

۱- اهل ذمه فقط یهودی و نصاری و مجوس ( زرتشتیها ) هستند .

۲- شرایط ذمه و کیفیت شرایط

۳- چگونگی اخذ مالیات و جزیه از آنان

۴- مجازات آنان در صورت تخلف .

۵- معاشرت مسلمین با اهل ذمه و رفتار آنان از لحاظ رعایت حقوق حقه آنان در

حکومت اسلامی .

در میان اصحاب امامیه و فقهای شیعه ، شهرت عظیم این است که جدی برای جزیه معین نشده است ، بلکه تعیین مقدار آن به عهده امام گذاشته شده است ، که هر مقدار صلاح ببینند تعیین نمایند ، بلکه صاحب کتاب غنیه براین مطلب نقل اجماع میکند ، و مرحوم ابن ادریس - در سرائر این مطلب را به اهل بیت عصمت نسبت داده است ( یعنی از مسلمات فقه ما که منسوب به اهل بیت عصمت - علیهم السلام - است میدانند ) و در میان فقهای شیعه کسی را نمی شناسیم که حداقل و یا حداکثری برای جزیه معین نموده باشد .

مرحوم شیخ طوسی (ره) در کتاب بسوط می فرماید : " و لیس للجزیه حد محدود ، و لا قدر مقدور ، بل یعینها الامام علی اراضیهم او علی روزهم ، بهم علی قدر احوالهم من الضعف والقوه ، بمقدار ، یکنونون هاغرین به ، و قد روی اصحابنا ان امیر - المؤمنین - علیه السلام - وضعها علی - العوسر ثمانیه و اربعین درهما ، و علی - المتوسط اربعه و عشرين درهما ، و علی المتحمل اثنی عشر درهما ، و المذهب الاول - فانما فعل ذلك اتباعا لما تقدمه ، او لماراهنی - الحال من المصلحه " .

می فرماید : برای جزیه ، حد و مقدار معینی نیست ، بلکه امام (ع) مقدار قوت و ضعف مالی آنها را می سنجد و به تناسب آن بر زمینها و یا بر تعداد نفوس آنها مالیاتی معین می کند . و اصحاب امامیه نقل کرده اند که امیر المؤمنین (ع) برای افراد ثروتمند ، بر هر شخص در سال ، چهل و هشت درهم ، و برای افراد متوسط الحال ، بیست و چهار درهم ، و برای افراد ضعیف دوازده - درهم معین کرد . شیخ می فرماید حق واقعی

از نظر من این است که مقدار معینی ندارد بلکه به صلاحدید شخص امام واگذار شده است . و اینکه علی (ع) تعیین نموده اند یا از باب این است که همین مقدار صلاح دیده اند و یا اینکه چون قبل از ایشان با آنان چنین توافق شده است حضرت امضا نمودند .

علی ای حال ، اینکه گاهی از ائمه اطهار - علیهم السلام - بخصوص از علی (ع) و یا رسول الله (ص) تعیین مقدار خاصی نقل شده است نه از باب تعیین مقدار تعدا و به عنوان یک اصل جاری در همه جا و همه ازمه باشد . بلکه مخصوص همان زمان خاص است ، که امام با رسول الله در آن زمان آن مقدار را صلاح دیده اند . و این یکی از دلائل زنده و پابرجا و همیشگی بودن دین مقدس اسلام است که بجز مسائل اساسی ، و بعضی از مسائل عبادی ، در بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و حتی

افراد ، و برای هر کیلو متر مربع مثلا ، و یا هر جریب از زمین زراعتی و یا دامپروری مقداری مالیات تعیین نمایند ، و می توانند برای هر دو نیز تعیین کنند : هم بر نفوس و هم بر زمین ،

صاحب جواهر می فرماید : " و یجوز وضعها علی الرووس ، او علی الارض ، بلا خلاف آنچه فیہ ، بل و لا اشکال بعد الاصل والعمومات کتابا و سنته ، و خصوص التصوص المتضمنه لاثبات کل منها " .

یعنی : جایز است که امام جزیه را بر نفوس و تعداد افراد ، و یا بر زمین قرار دهد و خلافتی در این پیدا نکرده ام ، بلکه بسا وجود اصل ، و عمومات کتاب ( قرآن ) و سنت و روایات خاص این باب ، چنین امری بی اشکال است .

در این ابتدا روایات مطلب را در زمینه اول و دوم نقل میکنیم و سپس به نقل قول خلاف می پردازیم :

## برای جزیه از طریق شرع مقدس اسلام ، مقداری معین نشده ، بلکه به عهده امام و والی مسلمین

گذاشته شده است

گاهی عبادی دست والی مسلمین و زعیسم آنها باز است ، و تشخیص صلاح مسلمین در هر زمان و هر شرایط بعهد رهبر است . وقتی آنچه را که تشخیص داد و حکم کرد باید به عنوان حکم اسلامی تلقی کرد و اطاعت نموده یعنی اصولا در چنین مسائلی حکم والی مسلمین ، که دارای شرایط رهبری باشد حکم اسلام است .

در این زمینه باز مشهور فقها گفته اند که امام مختار است که مالیات و جزیه را بحسب افراد حساب کند و بر تعداد افراد مالیات قرار دهد ، و یا بحسب زمینهای

روایت ۱ باب ۶۸ ص ۱۱۲ ج ۱۱ صحیح زواره است سند بسیار قوی و محکم است : " عن زواره ، قال : قلت لابی عبدالله - علیه السلام - ما حد الجزیه علی اهل الکتاب ، و هل علیهم فی ذلک شیء موقوف لایمنی ان یجوز الی غیره ؟ فقال : ذلک الی الامام ، یاخذ من کل انسان منهم ما شاء علی قدر ماله و ما یطیق ، انما هم قوم قدوا انفسهم من ان یستعبدوا او یقتلوا فالجزیه تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون له ان یاخذهم به حتی یسلموا ... " زواره می گوید به حضور امام صادق (ع)

عرض کردم که آیا برای جزیه اهل کتاب حد معین و مشخصی است که تجاوز از آن حد مجاز نباشد؟ فرمودند: تعیین حد بر عهده امام است، که از هر انسانی بر اساس ثروت و قدرتش آنچه خواست می‌گیرد. سپس فرمودند جزیه در برابر این است که اینها به اسارت و برده بودن در نیایند و یا کشته نشوند و آنها عوض اسارت و کشته شدن جزیه دادن را انتخاب می‌کنند و جزیه بر اساس توانشان گرفته می‌شود و این وضع هست تا موقعیکه مسلمان بشوند...

خبر ۳ باب ۶۸ - باز با سند صحیح و معتبر از محمد بن مسلم نقل شده است که می‌گوید: *يَأْتِيهِ عَنِ أَهْلِ الذِّمَّةِ مَا ذَا عَلَيْهِمْ مَا يَحْتَقُونَ بِهِ دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ؟ قَالَ: الْخِرَاجُ. وَانْ أَخَذَ مِنْ رُؤْسِهِمُ الْجَزِيَّةَ فَلَا سَبِيلَ عَلَيَّ أَرْضَهُمْ، وَانْ أَخَذَ مِنْ أَرْضِهِمْ فَلَا سَبِيلَ عَلَيَّ رُؤْسَهُمْ.*

می‌گوید سؤال کردم از امام صادق (ع) از اهل ذمه که چقدر باید پرداخت کنند تا جان و مال آنها محفوظ و در پناه اسلام باشد؟ فرمودند: خراج (مالیات). سپس توضیح دادند که اگر اشخاص را امام حساب نماید و جزیه بگیرد دیگر نباید از زمینها بگیرد، و اگر زمینها را حساب نماید و مالیات اخذ کند دیگر از اشخاص نباید بگیرد.

روایت ۲ باب ۸۶ وسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۱۴ باز محمد بن مسلم می‌گوید: *"قلت لأبي - عبدالله - عليه السلام - أرى ما يأخذ هؤلاء من هذا الخمس من أرض الجزية، و يأخذ من الدهاقين جزية رؤسهم؟ أمّا عليهم في ذلك شيء؟ موظف؟ فقال: كان عليهم ما أجازوا على أنفسهم، وليس للامام أكثر من الجزية. إن شاء الإمام وضع على رؤسهم وليس على أموالهم شيء، وإن شاء فعلى أموالهم وليس على رؤسهم شيء، فقلت فهذا الخمس؟ فقال إنما هذا شيء كان صالحهم عليه رسول الله (ص)..."*  
محمد بن مسلم می‌گوید بحضور امام - صادق (ع) گفتیم که دولت خلفا از بعضی اهل -

کتاب، خمس از زمینهای جزیه می‌گیرند، و از بعضی دیگر به حساب سرانه، جزیه می‌گیرند مگر جزیه قانون و حد مشخص و موظف ندارد؟ فرمودند که آنها آنچه را بر خود پذیرفتند اند باید بپردازند، و امام غیر از جزیه نمی‌تواند مالیات بگیرد. از اول، اگر امام بخواهد بر اشخاص قرار میدهد و در اموال آنها چیزی نیست و اگر بخواهد بر اموال آنان جزیه قرار میدهد و پس از آن چیزی بحساب سرانه آنها نیست گفتیم پس این خمس چیست؟ فرمودند: این چیزی است که رسول الله (ص) با آنها مصالحه فرموده‌اند.

کلی در آنها پیدا میشود این است که اختیار به عهده والی و حاکم ذیصلاحیت مسلمین گذاشته شود که والی مسلمین به عناوین اولیه به حساب اختیاراتی که دارد، و بابه عناوین ثانویه در شرایط خاصی با رعایت مصالح مسلمین حکم صادر نمایند. علاوه بر آن، آیات شریفه "اطيعوا الله واطيعوا -

## جزیه برای این است که اهل ذمه بجای اسارت یا کشته

## شدن جزیه دادن را انتخاب می‌کنند و این وضع هست تا

## موقتی که مسلمان بشوند.

الرسول واولی الامر منکم" (۱)، انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتوا الزکاة و هم راکعون"، (۲) ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا" (۳) و مانند آن از آیاتی که دلالت بر این دارند، که دستورات ولی صالح و اولی الامر را باید اطاعت کرده و همچنین روایات زیادی که درباره ولایت فقیه وارد شده، که باید در محل خودش ذکر شود، به مسئله فوق دلالت محکم دارند و روایات خاص باب مانند روایست اول و دوم و روایات دیگری که در وسائل الشیعه و کتابهای دیگر نقل شده است.

و اما روایت سوم که نقل شد بدین معنا نیست که امام از ابتدا، نمی‌تواند هم بر نفوس و هم بر زمینها جزیه قرار دهد، لکن

از این روایت و بعضی روایات دیگر - عمدای اندک از فقیهای شیعه استفاده کرده‌اند که امام - علیه السلام - از اول باید یکی از دو شق را انتخاب نمایند: یا زمین، یا نفوس. و از هر دو نمی‌توانند بگیرند. فقیهایی مانند ابن‌دریس در سرائر و ابن‌زهره در غنیه، و بعضی دیگر بر این عقیده‌اند، لکن با دقتیکه در روایات و کلیات قواعد و عموماً می‌بینیم که از کتاب و سنت اهل بیت عصمت - علیهم السلام - میشود قول اول، یعنی مختار و مخیر بودن امام از اول در باره جزیه و مقدار و مورد آن به نظر محکم و مستدل میرسد، چرا که همان طور که قبلاً اشاره کردیم روح اسلام و احکام آن، در این نوع مسائل اجتماعی که با تغییر زمان و مکان و شرایط پیشرفت آن تعبیرات

همانطور که در ترجمه اشاره شد بدین معنا است که اگر امام بر چیز معینی جزیه قرار داد و مقدار معین را مشخص فرمود، دیگر پس از قرارداد نباید از قرارداد مذکور تجاوز کند و اضافه بگیرد، لکن اگر امام از ابتدا

امیرالمؤمنین - علیه السلام - بر زمینها و گاهی بر نفوس، جزیه قرار داده اند.  
روایت ۵ باب ۶۸ وسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۵  
براین مطلب صراحت دارد. مصعب ابن یزید انصاری میگوید: امیرالمؤمنین (ع) به من مأموریت دادند تا در رابطه با جمع آوری مالیات از سرزمینهای مدائن بهقیاسات نهر حیر نهر جویر و نهر الملک اقدام نمایم و دستور دادند که بر هر جریب (۴) از زراعت هر و کامل، یک درهم و نصف، و بر هر جریب زراعت متوسط، یک درهم، و

### والی مسلمین به عناوین اولیه و یا به عناوین ثانویه در شرایط خاصی با رعایت مصالح مسلمین حکم جزیه و مقدار آن را صادر می کنند.

جزیه را بر هر دو قرار بدهد و مقداری بر نفوس و مقداری بر زمینها معین کند این روایت از آن ساکت است و هیچگونه دلالتی نغیا و یا اثباتا در آن جهت ندارد، و لذا می بینیم بعضی اوقات، رسول الله (ص) با

بر هر جریب زراعت ضعیف و کم پشت، دو سوم درهم، و بر هر جریب از باغهای انگور ده درهم، و از باغهای خرما، ده درهم، و بر هر جریب از باغی که خرما و درختهای میوه دیگر نیز دارند ده درهم قرار دهم،

**توجه**  
با پوزش از خوانندگان گرامی و از استاد موسوی تبریزی، این چند سطر به اضافه پاورقی مربوط به مقاله ماه گذشته ایشان است، که اشتباها جا افتاده و در اینجا به چاپ می رسانیم

از میان شما بروم در این هنگام اشعت، بلند شد و گفت چرا از مجوسها جزیه قبضه می شود در حالیکه کتاب و پیامبری برای آنها نازل و اعزام نشده است؟ فرمودند: "بلی یا اشعت قد انزل الله علیهم کتابا و بعث الیهم نبیا" (۴) - بلی ای اشعت خداوند برای آنان هم کتاب نازل کرده و هم پیامبری برایشان اعزام نموده است و روایات دیگری به مسئله دلالت دارند و مابطلت اینکه به مسائل دیگر بپردازیم از نقل آنان صرف نظر میکنیم.

- علت اینکه در احکام جزیه و دیسه، مجوس با اهل کتاب یکسانند اینستکه در گذشته، آنها نیز کتاب آسمانی داشته اند  
۳- حسن بن محمد طوسی "ره" در مجالس از اصبح بن ثباته نقل میکند که روزی امیرالمؤمنین - علیه السلام - بالای منبر فرمودند: "سلونسی قبل ان تغفونسی" بپرسید از من هر چه میخواهید پیش از آنکه

۱- البته در اعمال و عبادات و روابط درونی و فردی خودشان آزادند که طبق مقتضای مذهبشان عمل نمایند.  
۲- از اول آیه اینچنین است که خداوند

... و دستور دادند که بر هر یکساز دهقانهای (مغرب دهقان) که ثروت آنها به حدی است که بر اسبهای بزبون (اسب - بارکش) سوار می شوند و انگشتر طلا به دست دارند، بر هر فرد از آنها چهل و هشت درهم، و بر افراد متوسط و تجار بیست و چهار درهم، و بر افراد طبقه پائین و ناتوانان دوازده درهم قرار دهم، که در آن سال از آن چهار محل هیجده میلیون درهم جمع آوری کردم.

خواننده محترم! همانطور که می بینید علی - علیه السلام - هم بر زمینها و هم بر افراد جزیه و مالیات قرار داده اند و مصعب از هر دو، جمع آوری کرده است. بالاخره از این روایات مسئله کاملا روشن میگردد، بخصوص که عقد ذمه یک نوع قرارداد بین طرفین است و هر دو طرف در ابتدای قرارداد مخیر است که با رضایت خود اطراف قرارداد را معین کند، که یکطرف در اینجا امام و طرف دیگر اهل کتاب است.

- ۱- سوره نسا، آیه ۵۹
- ۲- سوره مائده، آیه ۵۵
- ۳- سوره حشر، آیه ۷
- ۴- منظور از یک جریب، ده کیلو متر مربع زمین است.

خطاب به رسول الله و امت اسلامی میفرماید باکسانیکه ایمان بخداوند و روز قیامت نیآورده اند و از چیزهایی که خدا و رسولش برهیز میدهند احتیاط نمیکند و گرایش به دین حق ندارند. از افرادی که به ادعای خودشان اهل کتاب هستند - مبارزه و جهاد کنید تا اینکه جزیه دادن را بپذیرند در حالیکه خودشانرا برای پذیرفتن و گردن نهادن به قوانین مسلمین آماده کرده اند.  
۳- چرا که طبق روایات اهل کتاب بوده اند و پیامبرانی برایشان اعزام گشته است. و در اینکه مجوس (زرتشتیها) مانند اهل کتاب هستند میان فقها اختلافی نیافتم مگر از عمانی که گفته است آنان مانند بت پرستان هستند که با باید مسلمان بشوند یا کشته شوند لکن اجماع و اتفاق فقها، قبل از ایشان و پس از ایشان و روایات بسیاری خلاف قول ایشان ثابت میکند و آنانرا مانند اهل کتاب و از اهل کتاب شمرده اند.

۴- رجوع شود به وسائل الشعه، جلد ۱۱ صفحه ۹۸، خبرهای ۸۰۷ و ۹۰